

تسهیل محوری ویژه در احکام زنان و آثار مثبت تربیتی آن در خانواده^۱

طاهر علی محمدی^۲

چکیده

سهولت در احکام شرعی، از ویژگی‌های فقه اسلامی است و زن و مرد در این اصل کلی یکسان‌اند و در بیشتر موارد از حکمی برابر برخوردارند. در این بین، هر کدام از این دو جنس با توجه به خصوصیات فیزیکی خاص خود، دارای احکامی متفاوت از هم هستند که به دلیل پیش‌داوری‌ها و ذهنیت‌هایی که در جامعه دینی و غیر دینی نسبت به حقوق زن و مرد وجود دارد، شاید در تصور اولیه، احکام بانوان سخت‌تر از مردان به نظر می‌رسد. در راستای ابهام‌زدایی و پاسخ به این سؤال که آیا زن و مرد در احکام متفاوت، از حیث سهولت یکسان‌اند یا مختلف، و در صورت تفاوت، نسبت به کدام یک، آسانی بیشتری وجود دارد، پژوهش حاضر انجام شده است. در این تحقیق، که به روش توصیفی تحلیلی صورت گرفته، با شناسایی و طرح مهم‌ترین احکام مختلف زن و مرد، چنین به دست آمده که در بسیاری از اجزای آن احکام و نیز در مجموعه آن، در مقایسه با احکام مردان، تسهیل در احکام زنان، تحقق بیشتری دارد و این تفاوت‌ها در میزان تسهیل، زمینه‌ساز تحقق آثار تربیتی بسیار مثبتی در تحکیم،

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۵/۵؛ تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۶/۱۰.

۲. دانشیار دانشگاه ایلام - دانشکده الهیات و معارف اسلامی - گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی،

آرامش و نشاط و تصحیح مناسبات میان اعضای خانواده خواهد شد.
واژگان کلیدی: تسهیل محوری، احکام زنان، احکام شرعی، مسئولیت، خانواده.

طرح مسئله

مطابق حدیث نبوی «بعثت بالحنيفة السمحة التسهلة» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۷: ۵۷)، آسان‌گیری از ویژگی‌های اسلام، به‌ویژه در احکام شرعی و مورد تأیید فقهاست (حلی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۹۸؛ ابن مکی، ۱۴۱۹ق، ۱: ۲۵۶ و ۲: ۴۴۵؛ جبعی عاملی، ۱۴۲۱ق، ۲: ۷۵۱). با وجود مساوات زن و مرد نسبت به این قانون کلی، به لحاظ تفاوت‌هایی که در خصوصیات فیزیکی دارند، هر کدام دارای احکامی جداگانه یا مختلف هستند. با توجه به این‌که همواره این ذهنیت و پیش‌داوری در جامعه وجود داشته و دارد که در فقه اسلامی، زنان هم حقوق کمتری از مردان دارند و هم دارای تکالیف سخت‌تری هستند، می‌طلبند که در این مورد بازپژوهش‌هایی جامع صورت بگیرد و حقیقت امر روشن گردد.

در این پژوهش، که به صورت توصیفی تحلیلی صورت می‌پذیرد، به میزان سهولت در احکام زنان نسبت به مردان و آثار و نتایج مثبت آن در خانواده پرداخته می‌شود.

۱. اصل تسهیل در احکام

بر اساس آیات و روایات فراوان، اصل اولیه در احکام فقهی، سهولت است:

الف) آیات:

اول - ﴿... مَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ...﴾ (بقره، آیه ۱۸۵)؛ «آن کس که بیمار یا در سفر است، روزهای دیگری را به جای آن روزه بگیرد! خداوند، راحتی شما را می‌خواهد، نه زحمت شما را».

در آیه مذکور، برداشته شدن وجوب روزه در دو زمان بیماری یا سفر، ناشی از

آسان‌گیری خداوند دانسته شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲: ۴۹۶ و ۴۹۹؛ جرجانی، ۱۳۶۲، ۱: ۲۶۶).

دوم - ﴿...إِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ...﴾ (مائده، آیه ۶)؛ «اگر بیمار یا مسافر باشید، یا یکی از شما از محل پستی آمده [قضای حاجت کرده]، یا با آنان تماس گرفته (و آمیزش جنسی کرده‌اید)، و آب (برای غسل یا وضو) نیابید، با خاک پاکی تیمم کنید! و از آن، بر صورت [پیشانی] و دست‌ها بکشید! خداوند نمی‌خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند».

مستفاد از این آیه، حکم اولیه وضو یا غسل در برخی موقعیت‌ها مثل بیماری یا نیافتن آب، به تیمم تغییر می‌یابد؛ درحالی‌که خداوند می‌توانست در این حالات نیز استفاده از آب و وضو و غسل را واجب گرداند. آیات دیگری نیز در نفی جعل حرج در دین و احکام وارد شده‌اند (حج، آیه ۷۸؛ توبه، آیه ۹۱؛ نور، آیه ۶۱).

ب) روایات:

اول - پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي تِسْعَةُ أَشْيَاءَ الْخَطَأُ وَالنِّسْيَانُ وَ مَا أُكْرَهُوا عَلَيْهِ وَ مَا لَا يَعْلَمُونَ وَ مَا لَا يَطِيقُونَ وَ مَا اضْطُرُّوا إِلَيْهِ... (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۵: ۳۶۹)؛ از امت من نه چیز برداشته شده است: خطا، فراموشی، آنچه که بدان مکره شده‌اند، آنچه که نمی‌دانند؛ آنچه که تحمل ندارند و آنچه که مضطر شده‌اند». به این روایت، برای برداشته شدن برخی محرمات، استناد شده است (طباطبائی حائری، ۱۴۱۸ق، ۲: ۳۲۱ و ۳: ۲۷۹؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق، ۸: ۲۹ و ۹: ۴۲۲ و ۵۷۸؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۸: ۱۱۶ و ۹: ۲۳۸).

دوم - پیامبر ﷺ در ضمن حدیثی فرمود: «وَلَكِنْ بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۴۹۴). به این حدیث بر آسان بودن شریعت (جبعی عاملی، ۱۴۲۱ق،

۲: ۷۵۰-۷۵۱) و برداشته شدن برخی تکالیف شاق استناد شده است (حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق، ۱۰: ۴۵۶ و ۱۷: ۳۹۴؛ طباطبائی حائری، ۱۴۱۸ق، ۱: ۱۶۳ و ۲: ۸۲-۸۳ و ۹۰).

ج) امام موسی بن جعفر علیه السلام در پاسخ به سؤالی درباره جواز نماز در پوستینی که از بازار خریداری می شود و مذکّی بودنش معلوم نیست، فرمود: «نَعَمْ لَيْسَ عَلَيْكُمُ الْمَسْأَلَةُ إِنَّ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام كَانَ يَقُولُ إِنَّ الْخَوَارِجَ ضَيَّقُوا عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ بِجَهَالَتِهِمْ إِنَّ الدِّينَ أَوْسَعُ مِنْ ذَلِكَ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۱: ۲۵۷-۲۵۸)؛ بله، بر شما مسئله ای نیست. امام باقر علیه السلام می فرمود: خوارج به سبب نادانی شان، بر خود سخت می گرفتند. به راستی که دین، از این تنگ گرفتن ها وسیع تر است».

این روایت گویای آن است که مجموعه دین و از جمله احکام آن، بر بنیان آسانی ریخته شده و بسیاری از تنگ گرفتن ها از ناحیه افراد کج اندیش است.

علاوه بر این دلایل، بررسی خود احکام شرعی وضع شده، گویای این سهولت است؛ به گونه ای که اصل تسهیل در احکام شرعی در قالب یک قاعده با عنوان نفی عسر و حرج درآمده است (سیوری، ۱۴۰۳ق: ۱۵ و ۷۴؛ میرزای قمی، ۱۴۲۷، ۲: ۸۶۰-۸۶۴؛ حسینی کاظمی، ۱۴۰۴ق: ۳۰۶) و فقهای امامیه در بسیاری از احکام به آن استناد کرده (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۵۱؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ۱: ۱۳۴-۱۵۲ و ۴۶۹-۴۷۱ و ۲: ۳۷۵-۳۷۷؛ طباطبائی حائری، ۱۲۹۶: ۵۳۵-۵۳۷) و برای آن مثال های فراوانی ذکر کرده اند (سیوری، ۱۴۰۳ق: ۷۴-۸۱).

۲. تسهیل ویژه در احکام زنان

احکام مقرر شده برای زنان، در مقایسه با احکام مردان، در مجموع از سهولت بیشتری برخوردار است که برخی از آنها به مسئولیت های خانوادگی و اجتماعی برمی گردد و برخی نیز به مسائل فردی زنان ارتباط دارد. در ذیل به مهم ترین مصادیق این نوع تسهیلات اشاره می شود:

الف) تسهیل در واگذاری مسئولیت‌های خانوادگی

با نگاهی کلی به مسئولیت‌های خانوادگی زنان و مردان، به روشنی به دست می‌آید که بسیاری از آنها از دوش زنان برداشته شده است:

یکم - عدم مسئولیت در تأمین هزینه زندگی همسر؛ امام صادق علیه السلام در قسمتی از یک حدیث می‌فرماید: «إِنَّ الْمَرْأَةَ لَيْسَ عَلَيْهَا ... وَلَا نَفَقَةٌ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۶: ۹)؛ بر عهده زن، نفقه‌ای نیست». از مسلمات فقهی آن است که در ازدواج دائم، نفقه همسر بر عهده مرد است (جبعی عاملی، ۱۴۱۰ق، ۵: ۴۶۵؛ خمینی، بی‌تا، ۲: ۳۱۳؛ خوئی، ۱۴۱۰ق، ۲: ۲۸۷). زن نه تنها در این باره هیچ مسئولیتی نسبت به خود و شوهر ندارد؛ بلکه هر آنچه که زن به آن نیاز دارد؛ از قبیل غذا، لباس، فرش، پرده، مسکن، خادم، وسایل پخت‌وپز، نظافت و غیر اینها بر عهده زوج است (خمینی، بی‌تا، ۲: ۳۱۵؛ خوئی، ۱۴۱۰ق، ۲: ۲۸۷؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۲۵: ۲۹۸) و اگر تهیه نکند، بنابر احتیاط بدهکار اوست؛ خواه توانایی داشته باشد یا نه (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق: ۱۵۹). اگر زوج از پرداخت نفقه همسر خودداری کند، زوجه می‌تواند با مراجعه به دادگاه، حق خود را مطالبه کند (خوئی، ۱۴۱۰ق، ۲: ۲۹۰) و حاکم شرع، زوج را به پرداخت ملزم می‌کند (جبعی عاملی، ۱۴۱۰ق، ۵: ۴۲۹؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۲۵: ۳۰۵). وجوب نفقه زن بر مرد و حق سکونت او در فرض وقوع طلاق رجعی و در زمان عده هم ثابت است (خمینی، بی‌تا، ۲: ۳۱۴؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۲۵: ۲۹۳).

دوم - عدم مسئولیت در تأمین هزینه زندگی فرزندان؛ بر پدر و جدّ پدری به بالا، واجب است که نفقه فرزندان خود را تأمین کنند (جبعی عاملی، ۱۴۱۰ق، ۵: ۴۷۳؛ خمینی، بی‌تا، ۲: ۳۲۰)؛ اما به اجماع فقها در این باره پدر بر مادر و دیگران مقدم است (خوئی، ۱۴۱۰ق، ۲: ۲۸۸؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۲۵: ۳۲۳) و در صورت نبودن پدر، بر جدّ پدری به بالا واجب خواهد بود (جبعی عاملی، ۱۴۱۰ق، ۵: ۴۷۷؛ موسوی

عاملی، ۱۴۱ق، ۱: ۴۸۷). بنابراین، وظیفه تأمین هزینه زندگی فرزندان ابتدائاً بر عهده مردان (پدر و اجداد پدری) گذاشته شده و این وظیفه سنگین در مراحل اولیه از دوش زنان برداشته شده است.

سوم - عدم مسئولیت در رسیدگی به امور داخلی خانه؛ مستفاد از فتاوی فقها، زن موظف به انجام کارهای خدماتی در منزل شوهر نیست (حسینی شیرازی، ۱۴۲۷ق: ۱۲۹) و هیچ وظیفه و تکلیفی در خدمت به همسرش در مسائلی چون شست و شوی لباس‌های او، پخت نان و غذا و مانند آنها ندارد و اگر انجام ندهد، شوهر مجاز نیست او را بر آنها الزام کند^۱ (مفید، ۱۴۱۳ق: ۴۲) و اگر او را بر این کارها مجبور نماید، زن می‌تواند حق الزحمه خود را در برابر آنها از او بگیرد (مکارم، ۱۴۲۸ق: ۱۷۶).

چهارم - عدم مسئولیت در شیردادن به کودک؛ غیر از شیر «لباء» یا «آغوز» که پس از زایمان از پستان زن خارج می‌شود و به عقیده برخی فقها بر مادر واجب است که به فرزندش بدهد^۲ (جبعی عاملی، ۱۴۱۰ق، ۵: ۴۵۲)، شیردادن بر او واجب نیست (مفید، ۱۴۱۳ق: ۴۲) و می‌تواند در برابر آن اجرت بگیرد (مکارم، ۱۴۲۶ق: ۲۰۷) و در صورتی که اجرت او بیش از حق الاجاره دایه نباشد، نسبت به شیردادن فرزند خود اولویت دارد (مفید، ۱۴۱۳ق: ۴۲) و با وجود اخذ اجرت، عملی مستحب برای او محسوب می‌شود (جبعی عاملی، ۱۴۱۰ق، ۵: ۴۵۲).

ب) تسهیل در واگذاری برخی مسئولیت‌های اجتماعی

زنان، گذشته از این‌که در بسیاری از مسائل خانوادگی مسئولیتی ندارند، برخی مسئولیت‌های مهم اجتماعی نیز از دوش آنان برداشته شده یا کاهش یافته است:

۱. البته به لحاظ اخلاقی، تقسیم کار توصیه شده است (ر.ک: مکارم، ۱۴۲۸ق: ۱۷۳).

۲. با وجود وجوب آن، مادر می‌تواند تبرعی انجام ندهد و اجرت بگیرد (جبعی عاملی، ۱۴۱۰ق، ۵: ۴۵۲).

یکم - عدم وجوب حضور در نماز جمعه و جماعات؛ در وصیت پیامبر ﷺ به امام علی علیه السلام آمده است: «یا عَلِيُّ لَيْسَ عَلَيَّ الْمَرْأَةُ جُمُعَةً (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۷: ۱۶)؛ ای علی، نماز جمعه بر زن واجب نیست». بر این اساس، مطابق فتاوی فقها، نماز جمعه در عصر حضور امام علیه السلام بر زنان واجب نیست (طوسی، ۱۳۸۷ق، ۱: ۱۴۳؛ ابن زهره، ۱۴۱۷ق: ۹۰؛ فیض کاشانی، بی تا، ۱: ۱۷). با این حال، حضور در نماز جمعه بر آنها جایز و صحیح است (خمینی، بی تا، ۱: ۲۳۷) و در عصر حاضر کاری نیک شمرده می شود (مکارم، ۱۴۲۶ق: ۱۰۷). بنابراین، زنان به حضور در نماز جمعه مکلف و ملزم نیستند و مسئولیت اجتماعی تشکیل و اقامه نماز جمعه از دوش آنان برداشته شده است و از این جهت مشقتی متوجه آنان نخواهد بود.

حضور زنان در نماز عیدین نیز واجب نیست و از این جهت تکلیفی ندارند (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۸؛ طوسی، ۱۳۸۷ق، ۱: ۱۶۹؛ ابن زهره، ۱۴۱۷ق: ۹۶)؛ هرچند برخی فقها شرکت آنها را به طور مطلق یا با شرایطی خاص مستحب شمرده اند (حلی، ۱۴۱۲ق، ۶: ۳۱؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۱۰: ۲۲۴؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق، ۸: ۶۸۹). در هر صورت، زنان در زمان حضور امام علیه السلام مجبور به شرکت در دو نماز عید فطر و قربان نیستند.

امامت جماعت زنان برای مردان جایز نیست (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۸؛ خوئی، ۱۴۱۰ق، ۱: ۲۱۸). امامت جماعت، مسئولیت است و با وجود استحباب برگزاری آن برای واجد شرایط، شانه خالی کردن از آن و به تبع، تعطیل کردن نماز جماعت، مورد نهی معصومین علیهم السلام قرار گرفته است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۸: ص ۲۹۱ - ۲۹۴). این نهی هم فقط متوجه مردان است و زنان، مسئولیتی در این خصوص ندارند.

دوم - عدم وجوب شرکت در جهاد؛ شاید مهم ترین مصداق تسهیل محوری ویژه در احکام زنان، عدم وجوب جهاد بر آنان باشد. دفاع از اساس اسلام و قلمروی آن، در صورت حمله کفار به بلاد مسلمین یا مرزهای آن بر هر مکلفی از مسلمانان واجب

است و اختصاص به مردان ندارد (خمینی، بی تا، ۴۸۵)؛ اما وجوب جهاد ابتدایی و جهاد با باغیان به وجوب کفایی، مختص مردان است و بر زنان واجب نیست (طوسی، ۱۳۸۷ق، ۲: ۵ و ۶؛ ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸ق: ۱۹۹؛ خوئی، ۱۴۱۰ق، ۱: ۳۶۲). بنابراین، از این جهت، بر زنان بسیار آسان گرفته شده؛ زیرا سخت ترین تکلیف بر مسلمانان، جنگ با کفار است که احتمال آسیب دیدگی، کشته شدن و اسارت در آن می رود و فرار از آن طبق نصوص فراوان، حرام و از گناهان کبیره شمرده شده (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳ق، ۱: ۵۱۷ و ۳: ۳۸، ۵۶۲، ۵۶۳ و ۵۶۵) و طبق آیات قرآن، مشمول غضب و عذاب الهی است (انفال، آیات ۱۵ و ۱۶).

طبق روایات اسلامی، جهاد زن، شوهرداری و خانه داری نیکوست؛ یعنی زنان بدون این که زحمات طاقت فرسای جنگ با دشمنان اسلام را متحمل شوند، با مدیریت نیکوی امور خانه و بچه داری و شوهرداری خوب، مثل مجاهدین در خط مقدم جبهه و جنگ، مأجورند و پاداش مجاهد فی سبیل الله را می برند. امام باقر علیه السلام می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَتَبَ عَلَى الرَّجَالِ الْجِهَادَ وَعَلَى النِّسَاءِ الْجِهَادَ فَجِهَادُ الرَّجُلِ أَنْ يَبْذُلَ مَالَهُ وَدَمَهُ حَتَّى يُقْتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَجِهَادُ الْمَرْأَةِ أَنْ تَصْبِرَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ أَدَى زَوْجِهَا وَغَيْرَتِهِ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۳: ۴۳۹)؛ خداوند عزوجل بر مردان و زنان، جهاد را واجب کرد. جهاد مرد، این است که مال و جانش را ببخشد تا این که در راه خدا کشته شود و جهاد زن، آن است که در مقابل اذیت و غیرت مرد، صبر کند». در حدیث دیگری نیز فرمود: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۳: ۴۳۹)؛ جهاد زن، شوهرداری نیکوست».

افزون بر این، مستفاد از روایات، حج و عمره زن نیز جهاد زن محسوب می شود. از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره وجوب جهاد بر زن سؤال شد که ایشان فرمودند: «نَعَمْ جِهَادٌ لَا قِتَالَ فِيهِ الْحُجُّ وَالْعُمْرَةُ (نوری، ۱۴۰۸ق، ۸: ۱۲)؛ بله، جهادی که در آن جنگی نیست: حج و

عمره». نیز از آن حضرت نقل شده است که فرمود: «إِذَا حَمَلَتْ الْمَرْأَةُ كَانَتْ بِمَنْزِلَةِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْمُجَاهِدِ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۱: ۴۵۱)؛ زمانی که زن حامله می‌شود، همانند شخص روزه‌دار شب‌زنده‌داری است که با جان و مال خویش در راه خدا جهاد می‌کند». همچنین فرمود: «لِلْمَرْأَةِ مَا بَيْنَ حَمْلِهَا إِلَى فِطَامِهَا مِنَ الْأَجْرِ - كَالْمُرْبِطِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ - فَإِنْ هَلَكَتْ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ - كَانَ لَهَا مِثْلُ مَنْزِلَةِ الشَّهِيدِ (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ۱۰۱: ۹۷)؛ برای زن از زمان باردار شدن تا زمانی که بچه را از شیر می‌گیرد، ثوابی مانند رزمندگان راه خداست. اگر در این مدت فوت کند، مقامی همانند مقام شهید دارد».

سوم - عدم وجوب قضاوت؛ پیامبر ﷺ در وصیتش به امام علی علیه السلام فرمود: «يَا عَلِيُّ لَيْسَ عَلَى الْمَرْأَةِ جُمُعَةٌ إِلَى أَنْ قَالَتْ - وَلَا تَوَلَّى الْقَضَاءِ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۷: ۱۶)؛ ای علی بر زن، نماز جمعه و عهده‌داری قضاوت نیست». در احادیث دیگری نیز همین معنا مورد تأکید قرار گرفته است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۴: ۳۶۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۰: ۲۱۲). بنابراین، اگر به اجماع فقها (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۴۰: ۱۴) قضاوت برای زنان جایز نیست (فیض کاشانی، بی‌تا، ۳: ۲۴۶؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ۴۱-۴۲؛ خمینی، بی‌تا، ۲: ۴۰۷)، در واقع چنین مسئولیت سنگینی از دوش زنان برداشته شده است.

چهارم - کاهش مسئولیت در زمینه شهادت؛ لزوم حضور شاهد در دادگاه به درخواست مدعی، تکلیف و مسئولیتی شرعی است که کتمان آن حرام است و کوتاهی از آن، مجازات الهی را در پی دارد. خداوند می‌فرماید: ﴿... وَلَا يَأْبُ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا...﴾ (بقره، آیه ۲۸۲)؛ «و شهود نباید به هنگامی که آنها را (برای شهادت) دعوت می‌کنند، خودداری نمایند!» در آیه بعد آمده است: ﴿... وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ...﴾ (بقره، آیه ۲۸۳)؛ «و شهادت را کتمان نکنید! و هر کس آن را کتمان کند، قلبش گناهکار است». مسلماً انجام این وظیفه، سختی و مشقت مخصوص به خود را دارد (رک:

علی محمدی و حسینی، ۱۳۹۲: ۱۱۱-۱۴۳). این وظیفه در مواردی چند از عهده زنان ساقط است (مفید، ۱۴۱۳ق: ۵۱ و ۵۴؛ خمینی، بی تا، ۲: ۴۴۷؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۷ق: ۱۹۰) و در مواردی هم به ضمیمه مردان به این شرط که به جای یک مرد، دوزن باشد، پذیرفته می شود (مفید، ۱۴۱۳ق: ۵۱؛ خمینی، بی تا، ۲: ۴۴۷؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۷ق: ۱۹۰) که لازمه اش در بیشتر اوقات نبود شاهد مکمل برای زن شاهد و در نتیجه عدم وجوب حضور او در دادگاه است که این خود برای زنان، سهولت و فواید متعددی را به دنبال دارد (رک: علی محمدی و حسینی، ۱۳۹۲: ۱۱۱-۱۴۳).

پنجم - عدم وجوب پرداخت دیه قتل خطایی؛ پرداخت دیه قتل خطایی به عنوان عاقله، بر مردان واجب است؛ در حالی که بر زنان وجوبی ندارد (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۱). از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرموده است: «إِنَّ الْمَرْأَةَ لَيْسَ عَلَيْهَا ... وَلَا مَعْقُلاً - وَإِنَّمَا ذَلِكَ عَلَى الرَّجَالِ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۶: ۹۳)؛ بر زن، دیه قتل خطایی واجب نیست؛ بلکه بر مردان واجب است». مسلماً وجوب پرداخت دیه قتل خطایی، مسئولیت دینی سنگینی است که بر عهده مردان گذاشته شده و از روی دوش زنان برداشته شده و بدین گونه بر آنان سهل گرفته شده است.

ج) تسهیل در وضع احکام فردی و جمعی

فزون بر ساقط شدن بسیاری از مسئولیت های خانوادگی و اجتماعی از عهده زنان یا کاهش یافتن آنها، در مسائل شخصی نیز این سهولت ویژه دیده می شود:

یکم - در زمینه اجتهاد و تقلید؛ زنان مانند مردان می توانند به اجتهاد برسند و از کسی تقلید نکنند (حسینی شیرازی، ۱۴۲۷: ۴ و ۵)؛ اما دیگران، چه مردان و چه زنان، مجاز به تقلید از زنان نیستند؛ چون در مرجعیت، ذکوریت شرط است (طباطبائی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۱: ۲۶؛ خوئی، ۱۴۱۰ق، ۱: ۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۶ق: ۱۶).

مرجعیت، مسئولیتی دینی و اجتماعی با وظایفی سنگین و خاص است. آمادگی مرجع تقلید در شبانه روز برای پاسخ‌گویی به سؤالات مقلدین، حضور بین مردم و اجتماعات و... و از آن طرف، نیاز به بررسی و دقت لازم در منابع دینی و دغدغه همیشگی حرکت در چهارچوب شرع، وظیفه‌ای بسیار سنگین و مشکل است که بر عهده مردان گذاشته شده است و زنان از این جهت در آسایش و سهولت قرار دارند.

دوم - در زمینه طهارت؛ بر زن استبرای بعد از بول لازم نیست و هرگاه رطوبتی مشکوک از او خارج شود، پاک است و بر او وضو یا غسل واجب نیست (خوئی، ۱۴۱۰ق، ۱: ۲۴؛ مکارم، ۱۴۲۴ق: ۲۰؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۷ق: ۱۸۵ - ۱۸۶)؛ اما مردان اگر استبرا نکنند و رطوبتی مشتبه به بول خارج شود، تطهیر از آن و تجدید وضو، واجب است (خمینی، بی تا، ۱: ۲۰؛ خوئی، ۱۴۱۰ق، ۱: ۲۳ - ۲۴) و نیز اگر بعد از احتلام یا مجامعت و انزال، به وسیله بول، استبرا نکنند و بعد از غسل، رطوبتی مشاهده نمایند، اعاده غسل بر آنها واجب است؛ درحالی که چنین تکلیفی بر عهده زنان نیست (مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۸). مشکلات عدم عمل به این تکلیف، نیاز به توضیح ندارد و معلوم است که نداشتن چنین تکلیفی، از مصادیق تسهیل محوری ویژه در مورد زنان است.

سوم - در زمینه نماز؛ درباره نماز، برای زن و مرد احکامی وجود دارد که بعضی از آنها برای زنان سهل تر است:

- به عقیده برخی فقها، اذان و اقامه نماز بر عهده زن نیست و اگر هر یک از شهادتین را دو بار بگوید، به گونه‌ای که نامحرم نشنود، مأجور خواهد بود (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۵ و ۲۶) و به اعتقاد برخی دیگر، چهار تکبیر با شهادتین برای اذان، و دو تکبیر و شهادتین برای اقامه کفایت می‌کند (مکارم، ۱۴۲۶ق: ۱۰۱)؛ درحالی که مردان اگر بخواهند به ثواب قرائت اذان و اقامه برسند، باید هر دو را کامل انجام دهند

(مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۶). در روایتی به این موضوع اشاره شده است (ابن بایویه، ۱۴۱۳ق، ۱: ۳۷۱-۳۷۲). برخی فقها می‌گویند در چند جا به احتیاط واجب، اذان از زنان ساقط است: ۱. قبل از نماز عصر و عشاء برای مستحاضه، ۲. وقتی که اذان مرد را بشنود؛ ولی عکس آن صادق نیست (مکارم، ۱۴۲۶ق: ۱۰۲). روشن است قاعده لطف و اصل عدالت که بر مجموع تکالیف و حقوق زن و مرد حاکم است، می‌طلبند با وجود سقوط اذان از زنان، ثواب قرائت اذان، نصیب آنان نیز بشود. بنابراین، زنان بدون این‌که زحمت قرائت اذان و اقامه را متحمل شوند، مأجور خواهند بود.

- در رکوع، مستحب است زنان، دست‌هایشان را بالای زانوان بر روی ران‌های خود بگذارند (حسینی شیرازی، ۱۴۲۷ق: ۷۲)؛ ولی مردان باید روی زانوان بگذارند (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۶). این حکم در روایتی از زراره (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۳۳۵-۳۳۶) آمده است و فقهای امامیه به آن عمل کرده‌اند (ابن مکی، ۱۴۱۹ق، ۳: ۴۴۱ و ۴۴۲). روشن است که کمتر خم شدن در حالت رکوع، سهولت بیشتری دارد.

- زنان مجازند وقتی نامحرم حضور ندارد، در نمازهای صبح، مغرب و عشاء، حمد و سوره را به هر کدام از دو صورت جهر و اخفات که تمایل داشته باشند، بخوانند (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۸: ۱۴۱؛ خمینی، بی‌تا، ۱: ۱۶۶) و در صورت حضور نامحرم به احتیاط مستحب (مکارم، ۱۴۲۶ق: ۱۰۲) یا احتیاط واجب (حسینی شیرازی، ۱۴۲۷ق: ۷۳)، به شکل اخفات بخوانند و البته برخی هم قائل به مطلق جواز شده‌اند (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۸: ۱۴۲). از این جهت، زنان در سهولت قرار دارند. در مقابل، مردان، مکلف و ملزم به خواندن حمد و سوره در نمازهای مذکور به صورت جهر هستند و اگر عمداً به صورت اخفات بخوانند، نمازشان باطل می‌شود (خمینی، بی‌تا، ۱: ۱۶۶).

- به اجماع امامیه (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۸: ۱۱۴) و مسلمین (طباطبائی حائری، ۱۴۱۸ق، ۲: ۳۱۹؛ حسینی، عاملی، ۱۴۱۹ق، ۵: ۴۹۵)؛ چه در نماز و چه غیر نماز

(خمینی، بی تا، ۱: ۱۴۵ و ۱۴۶)، پوشیدن لباس حریر خالص بر مردان، حرام و نمازشان در آن باطل است (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۷: ۵۰ و ۸۷)؛ چه آن لباس، ساتر باشد چه نباشد (حلی، ۱۴۰۸ق، ۱: ۵۹؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۸: ۱۵؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق، ۵: ۴۹۸). امام صادق علیه السلام می فرماید: «لَا يَصْلُحُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَلْبَسَ الْحَرِيرَ إِلَّا فِي الْحَرْبِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۴: ۳۷۲)؛ صحیح نیست که مرد، جز در جنگ حریر بپوشد. این در حالی است که برای زنان در نماز و غیر آن جایز خواهد بود (حلی، ۱۴۰۸ق، ۱: ۵۹؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۷: ۹۵؛ مکارم، ۱۴۲۶ق: ۹۷ - ۹۸). جواز پوشیدن لباس حریر خالص برای زنان در نماز بدون هیچ خلافتی (طباطبائی حائری، ۱۴۱۸ق، ۲: ۳۲۳ - ۳۲۴)؛ بلکه به اجماع یا ضرورت مذهب و بالاتر از آن، به ضرورت دین (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۸: ۱۱۹) مورد پذیرش است. در غیر نماز هم به شهرت عظیمه نزدیک به اجماع جایز است و هیچ خلافتی در آن دیده نشده (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۸: ۱۱۹ - ۱۲۰)؛ بلکه اجماعی است (طباطبائی حائری، ۱۴۱۸ق، ۲: ۳۲۳).

- لباس زربافت هم همین حکم را دارد (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۷: ۵۰، ۱۰۱ و ۱۰۲؛ خمینی، بی تا، ۱: ۱۴۵؛ مکارم، ۱۴۲۶ق: ۹۷ - ۹۸). حکم حرمت استفاده از طلا برای مردان، اجماعی؛ بلکه ضروری است. در نماز نیز بدون هیچ خلافتی به عنوان ساتر یا غیر ساتر جایز نیست (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۸: ۱۰۹)؛ اما زن حتی به قصد رجا و نیل به ثواب، مجاز به تزئین خود به لباس زربافت و غیر آن است (مکارم، ۱۴۲۶ق: ۱۰۳). این هم حکمی است که باعث سهولت ویژه بر زنان می شود؛ مخصوصاً این که با تمایل زیاد آنها به زینت آلات و تزئین، تناسب دارد. از این رو، در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «جَعَلَ اللَّهُ الدَّهَبَ فِي الدُّنْيَا زِينَةَ النِّسَاءِ...» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۴: ۴۱۴)؛ خداوند، طلا را در دنیا برای زنان، زینت قرار داد.

- برای زنان، نماز در خانه افضل است (ابن براج، ۱۴۰۶ق، ۱: ۷۷؛ خمینی،

بی‌تا، ۱: ۱۵۲)؛ برخلاف مردان که نماز در مسجد برای آنان افضل، و عدم حضور آنها در مسجد بدون عذر، مکروه است (خمینی، بی‌تا، ۱: ۱۵۱). بدیهی است که اقامه نماز در خانه نسبت به رفتن به مساجد دور یا نزدیک در گرما یا سرما و اوضاع مختلف جسمی، بسیار سبک‌تر و آسان‌تر است. از طرف دیگر، تعطیل کردن مسجد کراهت دارد (خمینی، بی‌تا، ۱: ۱۵۲) و مطابق برخی روایات، برای همسایه مسجد، نماز در غیر مسجد، قبول نیست (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۸: ۲۸۵ و ۲۹۱-۲۹۴) و یکی از سه چیزی که در روز قیامت، نزد خدا شکایت می‌برند، مسجد است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۵: ۲۰۱ و ۲۰۲). با توجه به حکم فقهی مذکور، شکایت مسجد، تنها از مردان معنا دارد و آنها مخاطب این حکم هستند و بی‌اعتنایی آنان به نماز جماعت و مسجد، مورد سؤال و مؤاخذه قرار می‌گیرد. بنابراین، از این جهت، هیچ سؤال و مؤاخذه‌ای متوجه زنان نیست. از طرف دیگر، مردان به جز در موارد عذر، نباید جماعت را ترک کنند (ابن براج، ۱۴۰۶ق، ۱: ۷۸)؛ اما حضور زنان در نماز جماعت لازم نیست؛ هرچند در عصر حاضر با رعایت شرایطش اولویت (و استحباب) دارد (مکارم، ۱۴۲۶ق: ۱۰۷). بنابراین، نهی ائمه علیهم‌السلام از ترک جماعت، شامل زنان نمی‌شود و آنان در فراخی و آسانی قرار دارند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۸: ۲۸۵).

- رفع وجوب نماز از عهده زن حائض و نساء و عدم وجوب قضای آن (طوسی، ۱۳۸۷ق، ۱: ۴۱، ۴۲ و ۶۹؛ خوئی، ۱۴۱۰ق، ۱: ۶۳، ۶۴ و ۷۱)، از دیگر مصادیق تسهیل محوری ویژه در احکام زنان است؛ چنان‌که سقوط نماز آیات از زن حائض و نساء (خمینی، بی‌تا، ۱: ۱۹۲؛ خوئی، ۱۴۱۰ق، ۱: ۱۹۵ و ۱۹۹) نیز چنین است.

- نماز کسوف در منزل برای زنان افضل است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ۱: ۱۷۳). بدین ترتیب، مشقت رفتن به مسجد از زنان برداشته شده است. برخلاف مردان که برای آنان اقامه نماز در مساجد مستحب است (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۹). علاوه بر این

تسهیل، قضای نماز کسوف حاصل در زمان حیض نیز بر زن واجب نیست (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۴۷۲).

- قضای نماز پدر یا والدین، بنا بر اختلاف در اقوال (طباطبائی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۲: ۲۴۴؛ اصفهانی، ۱۳۹۳ق، ۱: ص ۱۹۹؛ خمینی، بی تا، ۱: ۲۲۷) بر عهده پسر بزرگ است و دختر؛ هر چند فرزند بزرگ باشد، در این خصوص هیچ وظیفه‌ای ندارد (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۱).

چهارم - در زمینه روزه؛ احکامی سهل‌تر برای زنان در این خصوص وجود دارد که از جمله آنها موارد ذیل است:

- صحت روزه مستحبی منوط به اذن شوهر است (طباطبائی حائری، ۱۴۱۸ق، ۵: ۴۷۲؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۷ق: ۸۳ و ۸۴). اگر زوجه نیت روزه مستحبی داشته باشد و شوهر مانع شود، طبق تعالیم دینی، می‌باید به ثواب آن برسد؛ بدون این که رنج روزه‌داری را تحمل کرده باشد. درباره تأثیر نیت در نیل به ثواب، حتی اگر موفق به انجامش نشده باشد و نیز درباره وابستگی ارزش اعمال به نیت، روایات زیادی وارد شده است (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: ۳۴۲، ۳۷۹ و ۴۱۳؛ مجلسی، ۱۴۱۰ق، ۷۸: ۱۸۷ و ۱۹۰ و ۳۷۱: ۸۱ و ۳۸۱). از جمله این که پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ۸۱: ۳۷۱)؛ اعمال، بستگی به نیت دارد و به هر شخصی، آنچه که نیت کرده است، تعلق می‌گیرد». امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى فِرَاشِهِ وَهُوَ عَلَى مَعْرِفَةِ حَقِّ رَبِّهِ (عَزَّ وَجَلَّ) وَ حَقِّ رَسُولِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ مَاتَ شَهِيداً وَ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَ اسْتَوْجَبَ ثَوَابَ مَا نَوَى مِنْ صَالِحِ عَمَلِهِ وَ قَامَتِ النَّيَّةُ مَقَامَ إِصْلَاتِهِ لِسَيْفِهِ (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: ۲۸۵)؛ هرکسی که از شما در بستر خود بمیرد، درحالی که حق خدا، حق رسول و اهل بیت او را بشناسد، شهید مرده و اجر او بر عهده خداوند است و مستوجب ثواب اعمال صالحی می‌شود که نیت کرده و نیت، جانشین شمشیر زدنش (در راه خدا) می‌گردد».

- اگر مرد روزه‌دار، همسر روزه‌دارش را مجبور به مقاربت در روز ماه رمضان کند، باید کفاره خود و همسرش را بدهد؛ اما اگر زن، همسرش را مکره بر مقاربت نماید، فقط کفاره خودش بر او لازم می‌آید (مکارم، ۱۴۲۶ق: ۱۱۲؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۷ق: ۸۶).

- روزه بر زن حائض و نفساء واجب و صحیح نیست (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۰ و ۳۰؛ طوسی، ۱۳۸۷ق، ۱: ۴۱ و ۶۹)؛ چنان‌که از زن حامله‌ای که نزدیک وضع حمل است و روزه برای او یا فرزندش ضرر دارد و نیز از عهده زنی که شیرش کم است و روزه برای او یا نوزاد مضر باشد، ساقط است (اصفهانی، ۱۳۹۳ق، ۱: ۲۵۴).

پنجم - در زمینه زکات؛ به دو مورد اشاره می‌شود:

- وجوب زکات و خمس، اختصاص به مردان ندارد و رجولیت از شرایط وجوب زکات نیست (خمینی، بی‌تا، ۱: ۳۱۲ - ۳۱۳) و زنان هم بر فرض مالکیت و وجود شرایط، می‌باید بپردازد (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۱؛ مکارم، ۱۴۲۶ق: ۱۱۷)؛ اما با توجه به این‌که نفقه زن بر مرد واجب است و غالباً این مردان هستند که تکسب دارند و به تبع، غالباً بحث زکات و خمس در مورد آنها تحقق می‌پذیرد، از این جهت غالباً نیز تکلیف و مؤاخذة شامل حال مردان می‌شود.

- از آنجاکه زن، عیال همسرش محسوب می‌شود، جز در موارد خاص، زکات فطره او بر زوج واجب است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ۱: ص ۲۳۹؛ اصفهانی، ۱۳۹۳ق، ۱: ۳۰۳) و از این جهت، زوجه تکلیفی ندارد و از عهده او ساقط است (موسوی خمینی، بی‌تا، ۱: ۳۴۶).

ششم - در زمینه حج؛ در مناسک حج نیز موارد متعددی از تسهیلات ویژه برای

زنان وجود دارد:

- به اجماع فقها (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۶: ۲۱۵) بر مردان واجب است که برای احرام خود، از دو پارچه به عنوان رداء و ازار با قیود خاصی استفاده کنند؛ درحالی‌که زنان با همان لباس‌های دوخته خود می‌توانند محرم شوند (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۲؛ خمینی،

بی‌تا، ۱: ۴۱۶-۴۱۸). نیاز به توضیح نیست که چنین پوششی برای مردان، مشقت خاص خود را دارد.

- عریان کردن سر بر مردان در حج، واجب است (فیض کاشانی، بی‌تا، ۱: ۳۳۲)؛ ولی از زنان چنین حکمی خواسته نشده است (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۶: ۳۲۶) و اگر مردان اقدام به پوشاندن سر نمایند، یک گوسفند کفاره آن است (فیض کاشانی، بی‌تا، ۱: ۳۳۳؛ موسوی خمینی، بی‌تا، ۱: ۴۲۶). طبیعی است که هر حکم وجوبی، به دنبال خود تکلیف و مشقت دارد و بی‌شک، این حکم و چند حکم وجوبی که در ادامه می‌آیند، برای مردان همراه با مشقت است و زنان از سهولت ویژه برخوردارند.

- طبق نظر برخی فقها برخلاف زنان، جهر در تلبیه بر مردان واجب است (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۲) و بر اساس دیدگاه بعضی دیگر از فقها مستحب است (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۶: ۲۳۹).

- حرکت در زیر سایه بان، ماشین، قطار و کشتی سقف دار برای مردان، حرام و برای زنان جایز است (فیض کاشانی، بی‌تا، ۱: ۳۳۴؛ خمینی، بی‌تا، ۱: ۴۲۶).

- هروله بین صفا و مروه از زنان ساقط است (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۷: ۱۶۸)؛ اما در حال اختیار بنابر قولی بر مردان مستحب است (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۷: ۱۶۸؛ فیض کاشانی، بی‌تا، ۱: ۳۷۵) و بنابر قولی دیگر، از مردان ساقط نمی‌شود و واجب است (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۳).

- اگر حاجی بمیرد و نماز طوافش را اقامه نکرده باشد، بر پسر بزرگ، قضای آن واجب است (خمینی، بی‌تا، ۱: ۴۳۷).

- وجوب تراشیدن موی سر بر مردان و تقصیر بر زنان در حج اول (مفید، ۱۴۱۳: ۳۳) و شکی در آسان تر بودن تقصیر نیست.

- زن حائض می‌تواند هنگام رسیدن زمان احرام، بدون این‌که نیازی به اقامه دو

رکعت نماز احرام باشد، محرم شود (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸ق: ۱۹۹)؛ چنان‌که می‌تواند در میقات نیز بدون اقامه نماز محرم گردد (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۵-۳۶) و تمام مناسک حج را غیر از طواف با همین حالت انجام دهد (همان: ۳۶). این خود نیز از باب تسهیل بر بانوان است.

هفتم - در زمینه نکاح و طلاق؛ در باب نکاح، افزون بر عدم وظیفه در خصوص تأمین هزینه خود و همسر که پیش از این مورد اشاره قرار گرفت، موارد متعددی از این تسهیلات برای بانوان وجود دارد:

- زن مجاز است از مقاربت مرد قبل از اعطای مهرالمسمی یا مهرالمثل، خودداری کند و زوج، حق اکراه او را ندارد (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۷؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۷ق: ۱۳۰). هرگاه زوج از تسلیم مهر به زن عاجز باشد یا با وجود تمکن مالی معطل کند، بر مرد واجب است نفقه زن را در خانه خودش نیز بدهد (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۷).

- مهر در ازدواج دائم و موقت، بر مرد واجب است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ۴: ۲۷۲؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۷ق: ۱۴۴)؛ هرچند ذکر آن در عقد دائم، شرط صحت نکاح نیست و می‌توان عقد را خالی از آن گذاشت و بعداً قبل از مقاربت، روی یک مهر توافق حاصل شود (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۲۳: ۱۸۴). البته در ازدواج موقت، ذکر آن در ضمن عقد، شرط است و خالی گذاشتن عقد از آن، موجب بطلان می‌شود (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۲۴: ۱۵۶؛ خمینی، بی‌تا، ۲: ۲۸۹؛ خوئی، ۱۴۱۰ق، ۲: ۲۷۲).

- هرچند امر طلاق به دست شوهر است، اما این‌گونه نیست که شوهر مجاز به انجام هر کاری باشد و زن نتواند از او طلاق بگیرد. در موارد متعددی مثل قسم خوردن زوج به عدم مقاربت با زوجه، اقدام زوج به ظهار زن، ازدواج با خواهرزاده یا برادرزاده او در فرض عدم اجازه زوجه یا در فرض استمرار ناتوانی مرد از پرداخت نفقه زوجه، برای زن امکان مراجعه به دادگاه و جدایی از زوج با طلاق (در برخی موارد) یا

بدون طلاق (در بعضی موارد) وجود دارد و مرد نمی تواند مانع شود (مفید، ۱۴۱۳ق: ۴۰-۴۲). افزون بر آن، زن می تواند در ضمن عقد شرط کند که به وکالت از شوهرش حق طلاق داشته باشد (حسینی شیرازی، ۱۴۲۷ق: ۱۳۴).

د) آثار مثبت تسهیل محوری ویژه در احکام زنان در خانواده

توجه شارع به وضع مجموعه احکام آسان تر برای زنان، علاوه بر این که نشان دهنده حکمت و عدالت محوری اوست، می تواند در مناسبات میان اعضای خانواده، آثار بسیار مثبتی به جا بگذارد. در ذیل برخی از آثار آن می آید.

یکم - تعمیق مناسبات میان اعضای خانواده؛ از مواردی که باعث کشمکش و نزاع میان اعضای خانواده می شود، انتظار خلاف واقع و بیش از حد شوهر از زن، و فرزندان از مادر در انجام کارهای خدماتی در منزل است. اعتراضاتی که نوعاً در این باره متوجه زن در زندگی خانوادگی خواهد شد، از آنجا ناشی می شود که تصور می رود زن در مسائلی چون شست و شوی لباس های اعضای خانواده، نظافت، پخت و پز نان و غذا و مانند آنها وظایفی حتمی دارد و می باید در این زمینه کوتاهی نکند و بر اساس این تلقی نادرست، در صورت عدم اقدام یا انجام نامناسب و نامطلوب، آن گونه که مورد انتظار شوهر و فرزندان است، مورد مؤاخذة آنها قرار می گیرد و زمینه ساز کشمکش ها و اختلافات می شود. وقتی شوهر و فرزندان او بدانند که دین در این گونه امور، وظیفه ای را بر دوش زن قرار نداده، بلکه این خود زن است که فداکارانه و ایثارگرانه بی منت و بدون هیچ چشم داشتی نسبت به قدرشناسی اعضای خانواده و به گرفتن مزد، با عشق و علاقه، مدیریت داخلی خانواده و انجام امور مذکور را بر عهده می گیرد، به لحاظ ذهنی و روانی، همه اعضای خانواده از یک سو قدردان واقعی او خواهند بود و از دیگر سو، در صورت عدم اقدام یا انجام نامطلوب امور، ایرادی را

متوجه او نمی‌دانند و طبیعتاً علاوه بر این‌که یکی از زمینه‌های نزاع و اختلاف در زندگی خانوادگی از بین می‌رود، همه اعضای خانواده احساس قدردانی و تشکر نسبت به زن و مادر را در خود می‌یابند که ارمغان این اطلاع و احساس، صمیمیت بیشتر بین اعضای خانواده و تعمیق و استحکام روابط خانوادگی است.

دوم - استحکام پیوند زناشویی و استواری تربیت فرزندان؛ گفته شد که زن وظیفه‌ای نسبت به شیردادن کودک خود ندارد و مجاز است در قبال اخذ اجرت، چنین کاری را انجام دهد. با وجود این، آنچه عملاً اتفاق افتاده و می‌افتد، شیردهی فرزند توسط مادر بدون مطالبه اجرت و حتی بدون درخواست شوهر است. مرد مسلمانی که ملتزم به دین و احکام آن است، با التفات به این نکته، محبتش به همسر بیشتر می‌شود و تلاشش برای فراهم آوردن شرایط زندگی آرام و برطرف کردن نیازهای همسر و فرزندان بیشتر خواهد شد. بر اساس روحیات انسانی، چنین اقداماتی از سوی زن و مرد، باعث استحکام افزون پیوند زناشویی و بستر ساز محبت بیشتر به فرزندان و تربیت آسان‌تر و استوارتر آنان می‌شود؛ همان‌گونه که فایده اول نیز در زمینه‌سازی تربیت درست فرزندان بسیار مؤثر است.

سوم - اذعان به وجود استعدادها و ظرفیت‌های متفاوت؛ فهم وجود تفاوت‌ها در بسیاری از احکام شرعی میان زن و مرد، حتی در میزان تسهیل بین دو جنس، آمادگی اعضای خانواده را در فهم بیشتر یکدیگر و توجه به تفاوت در استعدادها و توانایی‌های فطری همدیگر را فراهم می‌سازد. وقتی زن و مرد، متوجه میزان وظایف خانوادگی و اجتماعی هر دو جنس و سهولت بیشتر احکام بانوان باشند، به این نکته اذعان خواهند کرد که خداوند حکیم و علیم بر اساس ظرفیت جسمی و تمایلات روحی و روانی هر یک از دو جنس، احکام متغیری را برایشان وضع کرده است. این خود، بستر ساز توجه به تفاوت توانایی‌ها و استعدادهای فرزندان، چه ذکور و چه اناث

می‌شود و شرایط فهم عدم اجبار فرزندان به اموری که در توانایی آنها نیست یا بدان تمایل ندارند، در زن و مرد به وجود خواهد آمد. نتیجه مثبت فهم این نکته، علاوه بر ذی‌نفع شدن اجتماع از به فعلیت درآمدن صحیح استعدادهای بالقوه دختران و پسران، در تربیت و راهنمایی درست فرزندان و استحکام بنیان خانواده ظاهر می‌شود و اسلام در این باره به اهداف تربیتی و اصلاحی خود نزدیک‌تر خواهد شد.

چهارم - سلامت نفس و آرامش خاطر خانواده؛ توجه به وجود تفاوت‌ها در احکام هر یک از دو جنس و کمتر بودن مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی زنان و سهولت بیشتر در احکام بانوان، به تعدیل در انتظارات اعضای خانواده از افراد جامعه نیز منجر می‌شود که این خود، باعث ریشه‌کن شدن حقد و کینه‌ها و کدورت‌های خانمان‌سوز میان افراد جامعه خواهد شد و براین‌د آن، سلامت نفس افراد خانواده و آرامش در زندگی خانوادگی خواهد بود.

پنجم - فرصت‌یابی و توجه بیشتر زن به تربیت فرزندان؛ از مشکلات امروز جوامع، کم‌رنگ شدن تأثیر زنان در مدیریت امور داخلی خانواده و تربیت فرزندان است که باعث بروز و حدوث ناهنجاری‌های خانوادگی و اجتماعی فراوانی شده و می‌شود. کاهش یا برداشته شدن مسئولیت‌های اجتماعی از دوش زن و گذاشته شدن آنها بر دوش مرد و کمتر شدن وظایف اجتماعی زن مثل کاهش مسئولیت او در زمینه شهادت، عدم وجوب شرکت در جهاد، عدم وجوب تقبل مرجعیت، عدم وجوب قضاوت، عدم وجوب نفقه خانواده بر او، عدم وجوب حضور او در نماز جمعه و جماعات و افضلیت نماز در خانه نسبت به حضور در مسجد از یک سو، و سهولت در احکام فردی آنها مانند رفع وجوب نماز و روزه از عهده زن حائض و نفساء و عدم وجوب قضای نماز در این شرایط بر زن، عدم وجوب نماز قضای پدر و مادر بر او و نداشتن وظایف مالی مختلف از قبیل نفقه و مهر از دیگر سو، سبب می‌شود که آنان

وقت بیشتری برای رسیدگی به خانواده و تربیت فرزندان پیدا کنند و توجه آنها بیشتر از اجتماعیات، معطوف به رکن رکین خانواده شود. مخصوصاً این که طبق روایات اسلامی زنی که به شوهرداری و خانه داری نیکو اهتمام دارد، ثواب مجاهد فی سبیل الله برایش در نظر گرفته شده است که این خود، تشویق و اهتمام بیشتر او نسبت به تربیت فرزندان را به دنبال دارد.

ششم - شادابی و نشاط روحی روانی مدیر خانواده؛ جواز پوشیدن زیورآلات و لباس های زربفت و حریر برای زنان در نماز و غیر نماز، که از احکام تسهیلی زنان است، نشان دهنده توجه شارع به نیازهای روحی و روانی جنس مؤنث و تأثیر مثبت آن در نشاط و شادی اوست. نیاز به توضیح بیشتر نیست که چقدر روحیه بانشاط و شاداب زن که مدیریت داخلی خانواده بر عهده اوست، در فراهم آوردن زندگی آرام و فرح بخش برای اعضای خانواده اثرگذار است. مخصوصاً با رفع مسئولیت های مالی از روی دوش او مثل نفقه، زکات فطره، برخی کفارات مالی که ذکرش گذشت و دیه عاقله، رفع مسئولیت از او نسبت به تکالیف دیگران مثل نمازهای قضای پدر و مادر، نماز طواف پدر و نداشتن مسئولیت های اجتماعی احساس راحتی می کند و به لحاظ ذهنی درگیر این مسائل نخواهد شد.

نتیجه گیری

از مطالب تبیین شده در این پژوهش نتایج ذیل به دست می آید:

۱. با توجه به شرایط خاص جسمی و روحی زنان، بسیاری از احکام مقرر در مورد زنان نسبت به مردان سهولت بیشتری دارد. این سهولت در قالب دو امر «تسهیل در واگذاری مسئولیت ها» و «تسهیل در وضع احکام و قوانین فردی و جمعی» برای زنان رخ داده است. مصداق امر اول، مسئولیت نداشتن در بسیاری از امور خانوادگی و

برداشته شدن برخی مسئولیت‌های اجتماعی از دوش آنهاست و مصداق امر دوم، تسهیل در بسیاری از احکام وضع شده برای زنان در مقایسه با مردان در ابواب مختلف فقهی مثل اجتهاد و تقلید، طهارت، صلات، حج و غیر آنهاست. آنچه که از کلیت احکام متفاوت زنان با مردان استنباط می‌گردد، این است که فقه امامیه مسئولیت دنیوی و اخروی را در برخی احکام مهم، گاه به صورت مجزیه کلیه متوجه زنان نکرده و مواردی را چون جهاد ابتدایی و جهاد با باغیان، قضاوت، امامت جمعه، مرجعیت و پرداخت دیه قتل خطایی را بر عهده مردان قرار داده است و گاه به صورت مجزیه جزئی و در مواردی خاص مثل مسئولیت مالی خانواده، نماز جماعت و شهادت را از دوش آنها برداشته و امر را بر آنها بسیار سهل کرده است.

۲. تفاوت در میزان تسهیل بیشتر نسبت به جنس زن، نتایج و آثار بسیار مثبتی را در خانواده به بار می‌آورد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: استحکام و تعمیق مناسبات و روابط میان اعضای خانواده، تقویت پیوند زناشویی و استحکام و آسان‌تر شدن شرایط تربیت فرزندان، فراهم شدن شرایط اذعان به وجود استعدادها و ظرفیت‌های متفاوت در افراد خانواده و در نتیجه آزادگذاشتن فرزندان در انتخاب علایق و به فعلیت درآوردن استعدادهای خود، تأمین سلامت نفس و آرامش خاطر اعضای خانواده در اثر تعدیل در انتظارات آنها نسبت به افراد جامعه، توجه بیشتر زن به تربیت فرزندان در اثر کاسته یا برداشته شدن مسئولیت‌ها و وظایف فردی و اجتماعی از روی دوش او، حصول نشاط و آرامش روحی و روانی زن به عنوان مدیر خانواده که در اثر توجه شارع به نیازهای او در پوشش و تزئین خود از یک طرف، و عدم وجوب تکالیف قضاشده پدر و مادر بر او و نداشتن مسئولیت‌های مالی و غیر مالی در خانواده و اجتماع، از دیگر سوبه دست می‌آید.

منابع

۱. قرآن مجید، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه، محمد رضی، (تحقیق: عزیزالله عطاردی)، چاپ اول، قم، مؤسسه نهج البلاغه، ۱۴۱۴.
۳. ابن بابویه قمی، محمد، من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳.
۴. ابن براج طرابلسی، عبدالعزیز، المهدب، (تحقیق: جمعی از محققین و مصححین)، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶.
۵. ابن حمزه طوسی، محمد، الوسيله إلى نیل الفضیله، (تحقیق: محمد حسون)، چاپ اول، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸.
۶. ابن زهره حلبی، حمزه، غنیة النزوع إلى علمی الأصول والفروع، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۷.
۷. ابن مکی، محمد، ذکرى الشیعه فی أحكام الشریعه، (تحقیق: جمعی از پژوهشگران در مؤسسه آل البيت)، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۹.
۸. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، (تحقیق: آقامجتبی عراقی - علی پناه اشتهااردی - آقا حسین یزدی اصفهانی)، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳.
۹. اصفهانی، ابوالحسن، وسیلة النجاه، شرح محمدرضا موسوی گلپایگانی، چاپ اول، قم، چاپخانه مهر، ۱۳۹۳ ق.
۱۰. انصاری، مرتضی، القضاء والشهادات، (تحقیق: گروه پژوهش در کنگره)، چاپ اول، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵.
۱۱. بحرانی، حسین بن محمد، الأنوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع، (محسن آل عصفور)، چاپ اول، قم، مجمع البحوث العلمیه، [بی تا].
۱۲. بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره فی أحكام العترة الطاهره، (تحقیق: محمدتقی ایروانی - سید عبدالرزاق مقرر)، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵.

۱۳. بغدادی، محمد، *احکام النساء*، چاپ اول، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳.
۱۴. تبریزی، جواد بن علی، *رساله احکام بانوان*، چاپ اول، قم، [بی تا].
۱۵. جبعی عاملی، زین الدین، *رسائل الشهيد الثاني*، (تحقیق: رضا مختاری و حسین شفیعی)، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۱.
۱۶. _____، *الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - کلانتر)*، چاپ اول، قم، کتابفروشی داوری، ۱۴۱۰ ق.
۱۷. جرجانی، ابوالفتح، *تفسیر شاهمی آیات الأحکام*، (تحقیق: میرزا ولی الله اشراقی)، چاپ اول، تهران، نوید، ۱۳۶۲.
۱۸. حر عاملی، محمد، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعه*، (تحقیق: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت)، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت ع، ۱۴۰۹.
۱۹. حسینی شیرازی، صادق، *احکام النساء*، چاپ پنجم، قم، انتشارات سلسله، ۱۴۲۷.
۲۰. حسینی عاملی، جواد، *مفتاح الكرامه في شرح قواعد العلامه*، (تحقیق: محمدباقر خالصی)، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹.
۲۱. حسینی کاظمی، شبر، عبدالله، *الأصول الأصلية والقواعد الشرعية*، چاپ اول، قم، کتابفروشی مفید، ۱۴۰۴.
۲۲. حلی، جعفر، *شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام*، (تحقیق: عبدالحسین محمدعلی بقال)، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸.
۲۳. _____، *المعتبر في شرح المختصر*، (تحقیق: محمدعلی حیدری - مهدی شمس الدین - ابومحمد مرتضوی - علی موسوی)، چاپ اول، قم، مؤسسه سیدالشهداء ع، ۱۴۰۷.
۲۴. حلی، حسن، *منتهی المطلب في تحقیق المذهب*، (تحقیق: بخش فقه در جامعه پژوهش های اسلامی)، چاپ اول، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیه، ۱۴۱۲.
۲۵. خمینی، روح الله، *تحریر الوسیله*، چاپ اول، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، [بی تا].
۲۶. خوئی، ابوالقاسم، *منهاج الصالحین*، چاپ بیست و هشتم، قم، نشر مدینه العلم، ۱۴۱۰ ق.

۲۷. سبزواری، عبدالاعلی، *مهذب الأحكام في بيان الحلال والحرام*، (تحقیق: مؤسسه المنار)، چاپ چهارم، قم، مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیت الله، ۱۴۱۳ ق.
۲۸. سیوری، مقداد بن عبدالله، *نضد القواعد الفقهیه علی مذهب الإمامیه*، (تحقیق: عبد اللطیف حسینی کو کمری)، چاپ اول، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳.
۲۹. طباطبائی حائری، علی، *ریاض المسائل في تحقیق الأحكام بالادلة*، (تحقیق: محمد بهره مند - محسن قدیری - کریم انصاری - علی مروارید)، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۸.
۳۰. طباطبائی حائری، محمد مجاهد، *القواعد والفوائد والاجتهاد والتقليد*، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۲۹۶.
۳۱. طباطبائی یزدی، محمد کاظم، *العروة الوثقی فیما تعم به البلوی (المحشی)*، (تحقیق: احمد محسنی سبزواری)، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹.
۳۲. طبرسی، فضل، *مجمع البیان في تفسیر القرآن*، (تحقیق: هاشم رسولی و فضل الله طباطبائی)، چاپ اول، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۳۳. طوسی، محمد، *الخلاف*، (تحقیق: علی خراسانی - جواد شهرستانی - مهدی طه نجف - مجتبی عراقی)، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷.
۳۴. _____، *المبسوط في فقه الإمامیه*، (تحقیق: محمد تقی کشفی)، چاپ سوم، تهران، المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ ق.
۳۵. علی محمدی، طاهر؛ حسینی، آمنه السادات، «تفاوت شهادت زن و مرد در فقه و حقوق»، *مجله مطالعات راهبردی زنان*، ش ۶۰، ص ۱۱۱ - ۱۴۳، ۱۳۹۲.
۳۶. فیض کاشانی، محمد محسن، *مفاتیح الشرائع*، چاپ اول، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، [بی تا].
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، (تحقیق: علی اکبر غفاری)، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷.

۳۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، چاپ اول، بیروت، مؤسسة الطبع و النشر، ۱۴۱۰.
۳۹. _____، *مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول*، (تحقیق: هاشم رسولی محلاتی)، چاپ دوم، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۴.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر، *احکام بانوان*، چاپ یازدهم، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۸ ق.
۴۱. _____، *احکام النساء*، چاپ اول، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۶.
۴۲. میرزای قمی، ابوالقاسم، *رسائل الميرزا القمي*، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی - شعبه خراسان، ۱۴۲۷.
۴۳. نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام*، (تحقیق: عباس قوچانی - علی آخوندی)، چاپ هفتم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۴۴. نوری، حسین، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، (تحقیق: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت)، چاپ اول، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.